

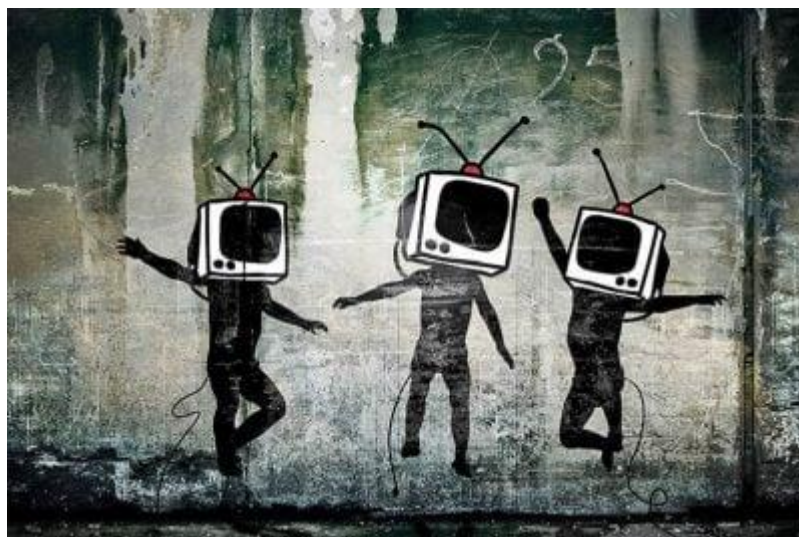
**نویسنده:** شین کیون «Shan Quinn»

**منبع و تاریخ نشر:** گلوبال ریسرچ «2021-10-14»

**برگردان:** پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

هیروشیما 1945 ، کودتای 1973 شیلی ، افغانستان  
2001 ، عراق 2003: چهار سالگرد مهم توسط  
رسانه های غربی به نمایش درآمد.

*Hiroshima 1945, Chile's 1973 Coup d'état, Afghanistan 2001,  
Iraq 2003: Four Key Anniversaries Glossed over by Western  
Media*



\*\*\*

ایالات متحده حملات زیادی را در خاک خارجی انجام داد و چهار مورد از آنها شامل  
حمله انگلیس و آمریکا به **عراق** در سال «2003»، مداخله نظامی «2001» آمریکا  
در **افغانستان**، 11 سپتامبر اول، کودتای نظامی در **شیلی** و بمباران اتمی **ژاپن** بود. اما  
چرا رسانه های غربی در مورد وقوع این حوادث سطحی نگر هستند؟، **شین کوین**  
به ارتباط جغرافیای استراتژیست انگلیسی صحبت می کند

سال گذشته ، **هفتاد و پنجمین سالگرد حملات اتمی آمریکا** با پوشش رسانه های غربی اندک مواجه شد . با بمباران هیروشیما در **6 آگوست 1945** ، بشر وارد دوران تعیین کننده ای از وجود مختصر آن بر روی زمین شد: عصر هسته ای .

ایالات متحده دو سلاح هسته ای را به ترتیب در شهرهای **هیروشیما و ناگازاکی ژاپن** در **6 و 9 اگوست 1945** منفجر کرد . در این دو بمباران بین **129,000 تا 226,000** نفر کشته شدند که اکثر آنها غیرنظامی بودند و تنها استفاده از سلاح های هسته ای در درگیری های مسلحانه باقی مانده است .

## بمباران اتمی ژاپن

برخی از دفاعیات و بهانه ها ، در حمایت از استفاده بی دلیل سلاح اتمی علیه غیرنظامیان ژاپنی ، طی دهه ها مطبوعانه توسط دانشمندان اصلی ارائه شده است: حملات اتمی جان نیم میلیون سرباز آمریکایی را نجات داد ، که در غیر این صورت در حمله زمینی به ژاپن ، که بمباران جنگ را سریعتر به نتیجه رساند ، **آدولف هیتلر** در حال ساخت سلاح اتمی است و واشنگتن باید در مسابقه او را شکست دهد .



قبل از حملات اتمی به **هیروشیما و ناگازاکی** ، در **جولای 1945** ژاپنی که به طور فزاینده ای ناامید بود و آماده دنباله شرایط صلح عادلانه بود . در اوایل ژوئیه **1945** ، امپراتور ژاپن **هیروهیتو** با **ژوزف استالین** ، فرمانروای پیروز شوروی تماس گرفت و به او وانمود کرد که ژاپن صلح خواهد کرد . اما نه از طریق تسلیم بی قید و شرط ، که بر خلاف غرور ژاپن و شاید هرملتی بود . پیام صلح **هیروهیتو** سرانجام به متحدان غربی ارسال شد و آنها بر تسلیم بدون قید و شرط اصرار داشتند .

پرسنل عالی رتبه نظامی آمریکا با دلایل خوب معتقد بودند که لازم نیست سلاح اتمی بر روی ژاپن انداخته شود ، مانند **ژنرال دوايت آیزنهاور** (فرمانده عالی در اروپا) ، **هنری استیمسون** (وزیر جنگ) ، به همراه **دریاسالار چستر نیمیتز** (فرمانده ناوگان

اقیانوس آرام) و ویلیام لیچی (رئیس ستاد فرمانده هری ترومن). آیزنهاور تاکید کرد که "ژاپن در همان لحظه به دنبال راهی برای تسلیم شدن با حداقل از دست دادن چهره بود. ضرورتی نداشت که آنها را با آن چیز وحشتناک [بمب اتمی] مورد اصابت قرار دهیم". تا آگوست 1945، ژاپنی ها می توانند فقط چند هفته دیگر دوام بیاورند، زیرا در موقعیت غیرممکن قرار داشتند.

ژاپن توسط نیروی دریایی ایالات متحده محاصره شد، در حالی که هواپیماهای آمریکایی و انگلیسی تسلط کامل بر آسمان را داشتند. دریا سالار **لیاهی** نوشت: "به نظر من، استفاده از این سلاح وحشیانه در **هیروشیما** و **ناکازاکی**، هیچ کمکی مادی در جنگ ما علیه ژاپن نداشت. ژاپنی ها به دلیل محاصره موثر دریایی و بمباران موفقیت آمیز با سلاح های معمولی شکست خورده و آماده تسلیم بودند. در مورد دستیابی به بمب اتم قبل از **هیتلر**؟ متحد نزدیک آمریکا، انگلیس و آژانس های اطلاعاتی او در تاستان 1943 گزارش دادند که پروژه اتمی آلمان "دیگر نگران کننده نیست." در پایان سال 1943، لندن به این نتیجه رسید که نازی ها چنین برنامه ای ندارند.

در سالهای 1943 و 1944، یافته های اطلاعاتی بریتانیا در مورد پروژه هسته ای **هیتلر** به مقامات ایالات متحده، از جمله مسئولان برنامه بمب های هوایی آمریکا (پروژه منهتن)، منتقل شد. در مارس 1944 ژنرال آمریکایی **لسلی گرووز**، ناظر بر ساخت بمب اتم، گفت: "هدف اصلی این پروژه تسلیم کردن روس ها است." **هیتلر** تقریباً دو سال قبل، در ژوئن 1942، تصریح کرده بود که "در این زمینه سود زیادی وجود ندارد" از دستیابی به سلاح های اتمی. همانطور که توسط **آلبرت اسپیر**، همکار نزدیک دیکتاتور، به یاد می آید، که از فبروی 1942 تا پایان جنگ وزیر جنگ افزار و مهمات نازی بود.

**اشپیر** نوشت که برنامه بمب اتمی آلمان "تا پاییز 1942" برای همیشه متوقف شد، زیرا آلمانی ها بر "موتور اورانیوم تولیدکننده انرژی برای ماشین آلات پیشران" تمرکز کردند. نیروی دریایی به زیردریایی های خود علاقه مند بود. "به گفته **اشپیر**، و همچنین کماندو اس اس اتریش اتو اسکورزنی در خاطرات خود، **هتلر** به طور جدی نگران تهدید ناشی از سلاح های هسته ای برای کره زمین بود.

واکنش مشابهی از سوی یکی دیگر از چهره های برجسته جنگ، **ژنرال شارل دوگل** فرانسوی، در پی داشت. از آنجا که رهبران انگلیسی-آمریکایی به **دوگل** اعتماد نداشتند و از او می ترسیدند، پس از انداختن دو بمب اتمی بر روی **هیروشیما** و **ناکازاکی**، از وجود بمب اتم مطلع شد. **دوگل** هنگام شنیدن استقرار بمب ها در ژاپن که منجر به کشته شدن حدود 200 هزار ژاپنی شد، نوشت که "از دیدن سلاحی که ممکن است نسل بشر را نابود کند" ناامید شده است.

## کودتای نظامی 11 سپتامبر در شیلی

این کودتای جناح راست در 11 سپتامبر 1973 با کمک گسترده سیا «سی آی ای» و به دستور کاخ سفید ریچارد نیکسون صورت گرفت. کودتا در شیلی از نظر سرانه (به ازای هر نفر) منجر به کشته شدن دست کم «16 تا 17» برابر بیشتر از حملات 11 سپتامبر شد، حملات تروریستی علیه آمریکا که 28 سال بعد رخ داد یا این حال، 11 سپتامبر شیلی ممکن است منجر به مرگ سرانه «33 یا 34» برابر بیشتر از 11 سپتامبر در آمریکا شود. از نظر سرانه، باید از آمار و ارقام برای مقایسه دقیق این دو فاجعه استفاده کرد، زیرا جمعیت آمریکا بسیار بیشتر از شیلی است.



**11 سپتامبر شیلی** اقدامات وحشتناک دیگری را به دنبال داشت، مانند مرگ سالوادور آلنده، رئیس جمهور منتخب این کشور و بمباران کاخ ریاست جمهوری **لا موندا**. پس از آن به معادل 700000 آمریکایی شکنجه گرافه شد. در حالی که یک مرکز تروریستی بین المللی در **سانتیاگو** پایتخت تأسیس شد، که در سراسر جهان افرادی را که دوست نداشت ترور می کرد و علاوه بر آن کودکانی را در دیگر نقاط آمریکا لایتن تشویق می کرد.

در روز 11 سپتامبر علیه آمریکا، واضح است که کاخ سفید بمباران نشده و رئیس جمهور کشته نشده است، در حالی که برخلاف شیلی، شکنجه فیزیکی علیه مردم انجام نشده است. پیش از 11 سپتامبر اول، شیلی کشوری سرزنده و پر جنب و جوش بود. این به سرعت با نصب دیکتاتور دست نشانده، ژنرال **آگوستو پینوشه** به پایان رسید. احساس دلهره و اضطراب متعاقباً توده های شیلی را فرا گرفت و ترس در میان مردم تا قرن بیست و یکم، مدتها پس از خروج **پینوشه** در مارس 1990 پس از بیش از 15 سال قدرت، ادامه داشت.

این کتاب درباره فرهنگ فکری غربی می گوید که **11 سپتامبر شیلی** معمولاً در ماه سپتامبر نادیده گرفته می شود، در حالی که ادای احترام رسمی فقط به یاد حملات به برج های دوقلوی و پنتاگون برگزار می شود. در طول سالهای **پینوشه**، اقتصاد شیلی به شدت تحت تأثیر اقتصاد دانان "بازار آزاد" شیلی قرار گرفت که به دلیل آموزش در دانشگاه شیکاگو به آنها پسران شیکاگو ملقب شده بود. تا سال 1982، پسران شیکاگو

شیلی را به بدترین افسردگی کشانده بود ند که این کشور در نیم قرن گذشته تجربه کرده بود. در اوایل دهه 1990 ، کمتر از 7 میلیون نفر از جمعیت 12 میلیونی **شیلی** فقیر بودند در حالی که نابرابری افزایش یافته بود. در زمان رئیس جمهور **چپ آلد** ، تنها 1 میلیون شیلیایی فقیر طبقه بندی شد ند .

## 2001 دخالت نظامی آمریکا در افغانستان

افغانستان در بیستمین سالگرد مطابق اوایل این ماه (7 اکتبر 2001) سقوط کرد و تقریباً توسط رسانه های غربی نادیده گرفته شد . حتی در پوشش کمی که در اختیار بود ، **بی بی سی** در مورد "مراسم بزرگداشت" که "به مناسبت بیستمین سالگرد آغاز عملیات نظامی انگلیس در افغانستان" برگزار شد ، گزارش داد ، چونکه "تاج گل بر مزار و به یاد 457 پرسنل انگلیسی در انگلستان . که در آنجا کشته شده اند گذا شه شد این نحوه برخورد و یا حساب **بی بی سی** بود که پس از 20 سال اشغال آمریکا و نا تو هیچ توجهی به مردم افغانستان نکرد .



ده ها هزار غیرنظامی افغان در دو دهه گذشته کشته شدند و افغانستان در حال حاضر یکی از فقیرترین کشورهای جهان است .نود و پنج درصد از خانوارهای کشور فاقد مواد غذایی کافی هستند و تقریباً نیمی از جمعیت 38 میلیونی ساکن در ولایات نیاز به کمک های بشردوستانه دارند ، در حالی که 2 میلیون کودک افغان دچار سوء تغذیه هستند و یک میلیون نفر دیگر در خطر گرسنگی قرار دارند و غیره . سال آینده ، برنامه توسعه سازمان ملل متحد تخمین می زند که 97 درصد از افغان ها می توانند فقیر باشند . این نتیجه نهایی "مداخله بشردوستانه" ایالات متحده و نا تو در افغانستان است . این حمله به دلایل امپراتوری و ژئواستراتژیک ، مانند ایمن سازی خطوط لوله از طریق افغانستان و افزایش حضور ایالات متحده در مرکز اوراسیا ، که مدت ها برای سلطه جهانی مهم تلقی می شد ، آغاز شد .

در بیستمین سالگرد تهاجم (7 اکتبر 2021) بر افغانستان ، رسانه های جمعی غربی در عوض ؛ پوشش بسیار بیشتری به محاکمه یک نگهبان «100 ساله ناشناس و سطح



پایین سابق اردوگاه کار اجباری نازی ها اختصاص دادند ، که بدون شک **هیتلر** و یارانش از راه دور از آن مطلع نبودند. تنها شنیده بودند.

عملیات نظامی علیه افغانستان بسیار قبل از **جنایات 11 سپتامبر** علیه آمریکا برنامه ریزی شده بود ، که به عنوان بهانه اصلی حمله مورد استفاده قرار گرفت یعنی صرف نظر از حادثه 11 سپتامبر ، بمباران افغانستان به هر حال در کوتاه مدت داشت که پیش می رفت یا که صورت می گرفت

نود «90» درصد از آمریکایی ها عمدتاً به دلیل خشم نسبت به حملات 11 سپتامبر به ایالات متحده ، از اقدام نظامی حمایت کردند ، زیرا هواپیماهای جنگی ایالات متحده تازه اولین حملات هوایی خود را بر افغانستان به پایان رسانده بودند. در اکثر نقاط دیگر جهان حمایت از این حمله بسیار کم بود. عموم مردم آمریکا نمی دانستند که این حمله بدون شواهدی مبنی بر ارتباط **اسامه بن لادن** و **القاعده** با حملات تروریستی علیه آمریکا انجام شد **FBI**. این امر را 8 ماه بعد (ژوئن 2002) پس از یک تحقیق جامع تأیید کرد ، که در ارائه دلیل قطعی در مورد عاملان 11 سپتامبر ناکام ماند.

## 2003 حمله انگلیس و آمریکا به عراق

آمریکایی ها و انگلیسی ها در این حمله هوایی و زمینی توسط دیگر اعضای **نا تو** **لهستان** ، **هلند** ، **اسپانیا** و **ایتالیا** به همراه متحد قدیمی غربی **استرالیا** مورد حمایت قرار گرفتند. در واقع جنگ با عراق را می توان در بمباران دولت **کلینتون** در عراق در **دسامبر 1998** ، قبل از حمله رسمی توسط رئیس جمهور **جورج دبلیو بوش** در **19 مارس 2003** جستجو کرد. این سالگرد تقریباً در غرب هر سال نادیده گرفته می شود. حمله نظامی علیه عراق نیز به دلایل جعلی صورت گرفت ، زیرا این کشور و **صدام حسین** خودکامه البته که هیچ ارتباطی با جنایات 11 سپتامبر علیه آمریکا نداشتند .



همچنین سلاح های کشتار جمعی (سلاح های کشتار جمعی) در خاک عراق وجود نداشت. نوشته روی دیوار بود؛ نه ماه قبل از حمله **اسکات ریتر آمریکایی** ، بازرس سابق سازمان ملل متحد در عراق ، گفت: "هیچ کس این ادعا را مبنی بر اینکه عراق دارای سلاح های کشتار جمعی است یا در تلاش برای دستیابی به سلاح های کشتار جمعی است

اثبات نکرده است . و البته این دلیلی است که ما را برای جنگ علیه عراق وامیدارند و جنگ را اعلام کرده اند - به دلیل تهدید ناشی از این سلاح ها " . فتح و اشغال عراق عمدتاً بخاطر به کنترل بر ذخایر عظیم نفت این کشور در منطقه ای استراتژیک و حیاتی خاورمیانه بود .

عموم مردم عمدتاً از این و آن بی خبر بودند ، علاوه بر این ، نافرمانی صدام بود و نه نقض حقوق بشر او ، که قدرت های انگلیسی-آمریکایی را نگران کرده بود . صدام در حالی که در جریان مذاکره با شرکت سوختی فسیلی توتال فرانسه بود ، با شرکت انرژی لوک اویل روسیه قرارداد امضا کرده بود . او همچنین شروع به جایگزینی دلار با یورو به عنوان ارز معاملات نفتی کرده بود . **مونیز بانديرا** ، مورخ برزیلی نوشت که برکناری صدام " علاوه بر شرکت های دیگر ، زمینه ورود شرکت های آمریکا و انگلیسی مانند شورون ، اکسون موبیل ، شل و بریتیش پترولیوم را فراهم می کند . "

از جمله حقایق ناخوشایند این بود که صدام در دهه 1980 در جنگ ایران و عراق به شدت مورد حمایت دولت ریگان قرار گرفت . در حالی که واشنگتن تلاش می کرد با حمایت از صدام ، ایران تا زه استقلال یافته را سرنگون کند . حمایت از دیکتاتور عراق در مرحله آغازین ریاست جمهوری بوش ارشد در سال 1989 ادامه داشت . مشابه بمباران افغانستان در سال 2001 ، درصد بالایی از آمریکایی ها از حمله 2003 به عراق حمایت کردند .

در 20 مارس 2003 ، یک روز پس از شروع حمله ، 76 درصد از پاسخ دهندگان آمریکایی گفتند که عملیات نظامی را تایید می کنند . نظرسنجی دیگری از CNN/USA Today/ گالوپ که چند روز پس از حمله انجام شد ، نشان داد که بیش از 70 درصد آمریکایی ها همچنان از اقدامات مسلحانه علیه عراق حمایت می کنند ، در حالی که تنها 25 درصد با آن مخالف هستند . در بریتانیا ، 21 نظرسنجی در طول سال 2003 انجام شد و به طور متوسط 54 درصد از انگلیسی ها معتقد بودند که این تصمیم صحیح برای مداخله نظامی در عراق است و 38 درصد آن را اشتباه می دانند . حمایت عمومی بریتانیا در زمان شروع تهاجم به بیشترین حد خود رسید .

----- **با تقدیم احترامات «2021-10-17»**